فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۲، شماره ۱۶، بهار سال ۱۴۰۱

رابطه ی سبک های فرزندپروری با هوش هیجانی در دانش آموزان

بهناز نصیرزاده[۱]

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با هوش هیجانی در دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی منطقه ۴ تهران می‌باشد. این پژوهش به لحاظ طبقه بندی برمبنای هدف، کاربردی است و به لحاظ طبقه بندی برمبنای روش یک تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق شامل دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی منطقه ۴ تهران است که حدود ۱۸۰۰ نفر هستند. نمونه گیری این پژوهش از روش دردسترس است. حداقل حجم نمونه مورد نیاز با توجه به فرمول کوکران برابر ۳۱۷ نفر می‌باشد. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه های استاندارد بوده که روایی آنها از طریق روایی صوری و محتوایی و پایایی آنها نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد تائید قرار گرفت. داده های گردآوری شده از طریق نرم افزار SPSS و Smart-PLS مورد تحلیل قرار گرفتند و با کمک مدلسازی معادلات ساختاری فرضیه‌های پژوهش بررسی شدند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد، سبک فرزندپروری رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد. از اینرو می توان با بهبود دادن سبک های فرزندپروری در جهت تقویت هوش هیجانی دانش‌آموزان گام های موثری جهت موفقیت آتی آنان برداشت.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، سبک مستبدانه، سبک مقتدرانه، سبک سهل‌گیرانه، هوش هیجانی

[۱] کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات ، تهران، ایران
(bhnaznsyrzadh@gmail.com)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

مقدمه

دانش‌آموزان هر جامعه، نیروی انسانی و سازندگان فردای آن هستند. از این رو سلامت جسم و روان آنها از اهمیت بالایی برخوردار است (بهرامی، نجفوند دریکوندی، بهرامی۱۳۹۶). امروزه هوش هیجانی به عنوان عامل پیش بینی کننده سلامت روانی، اجتماعی، موفقیت تحصیلی و شغلی از اهمیت شایانی برخوردار است (اکبری و رضاییان و مودی، ۱۳۸۶). از دیدگاه گلمن هوش هیجانی نوعی از هوش است که در هنگام تصمیم گیری های مناسب در زندگی استفاده می‌شود و نشات گرفته از شناخت احساسات خود فرد است (گلمن، بویاتزیس و مک کی[1] ۱۳۹۹). افرادی که دارای هوش هیجانی بالاتری هستند دارای سلامت جسمی‌و روانی بالاتر (پور، باربال، فیتپاتریک و رابرت[2] ۲۰۱۱)، توانایی حل مسأله بیشتر (عارف نسب، زارع و بابامحمودی[3] ۲۰۱۲)، و عملکرد تحصیلی موفق‌تری هستند (چو، زین و حسن[4] ۲۰۱۵). به نظر می‌رسد کسانی که هوش هیجانی بالایی دارد، بهتر از کسی که هوش هیجانی کمتری دارد، در اداره شرایط زندگی بهتر عمل می‌کند. فراتر اینکه محققان در ده دهه اخیر بیان کرده‌اند که ضریب هوشی بالا موفقیت فرد را در زندگی تعیین نمی‌کند بلکه هوش هیجانی افراد است که موفقیت فرد را در زندگی تعیین می‌کند (جوشی و دوتا، ۲۰۱۵). عوامل مختلفی می‌تواند روی هوش هیجانی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. عواملی که مرتبط با خانواده است طبیعتا می‌تواند از عوامل مهم در این موضوع باشد. سبک فرزندپروری متغیری است که اکثر محققان بر این باورند که می‌تواند روی متغیر هوش هیجانی اثرگذار باشد. سبک فرزندپروری در واقع تلاش والدین برای اجتماعی کردن فرزندان خود است (شچوری، بیتون وهمکاران[5] ۲۰۱۳). ادبیات تحقیق مربوط به فرزندپروری سه الگو وسبک را برای فرزندپروری پیشنهاد داده است. سبک مقتدرانه، مستبدانه و آسان‌گیر (بامریند[6] ۱۹۹۱). تحقیقاتی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و هوش هیجانی انجام شده است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که بین سبک‌های فرزندپروری و هوش هیجانی رابطه معنی‌داری وجود دارد (ناستاس و سالا[7] ۲۰۱۲). عوامل مختلفی می‌تواند روی دو متغیر مهم هوش هیجانی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. عواملی که مرتبط با خانواده است طبیعتا می‌تواند از عوامل مهم در این موضوع باشد. اما سبک فرزندپروری متغیری است که اکثر محققان بر این باورند که می‌تواند روی هر دو متغیر هوش هیجانی و مسئولیت‌پذیری اثرگذار باشد. سبک فرزندپروری در واقع تلاش والدین برای اجتماعی کردن فرزندان خود است (شچوری، بیتون وهمکاران[8] ۲۰۱۵). ادبیات تحقیق مربوط به فرزندپروری سه الگو وسبک را برای فرزندپروری پیشنهاد داده است. سبک مقتدرانه، مستبدانه و آسان‌گیر (بامریند[9] ۱۹۹۱). تحقیقاتی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و هوش هیجانی انجام شده است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که بین سبک‌های

[1] Goleman, Boyatzis and McKee
[2] Por, Barriball, Fitzpatrick and Roberts
[3] Arefnasab Zare and Babamahmoodi
[4] Chew, Zain and Hassan
[5] Shechory-Bitton etal
[6] Baumrind
[7] Nastas and Sala
[8] Shechory-Bitton etal
[9] Baumrind

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

فرزندپروری و هوش هیجانی رابطه معنی‌داری وجود دارد (ناستاس و سالا[1] ۲۰۱۲). در زمینه مسئولیت‌پذیری می‌توان بیان داشت که خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و جامعه ای کوچک که هدف آن توسعه و رشد اجتماعی کودکان است، مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به اثر خانواده بر رشد اخلاقی اولیه فرزندان به نظر می‌رسد فرزندان مسئولیت‌پذیری را از والدین خود یاد می‌گیرند و آموزند که مسئولیت عواقب اعمال خود را بپذیرند (الیثورپ و همکاران[2] ۲۰۱۳). همچنین نتایج تحقیقات مختلف مانند مطالعه گوئستلو و همکاران[3](۲۰۱۴) نشانگر تأثیر شیوه های فرزندپروری مقتدرانه بر افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی پسران و استقلال دختران است (گوئستلو و همکاران، ۲۰۱۴). با توجه به توضیحات اخیر، مسأله‌ای که محقق در این تحقیق با آن روبروست مسأله هوش هیجانی دانش‌آموزان است و محقق قصد دارد به این سوال پاسخ دهد که چه روابطی بین سبک فرزندی پروری و هوش هیجانی دانش‌آموزان وجود دارد؟

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی منطقه ۴ تهران است که حدود ۱۸۰۰ نفر هستند. جامعه آماری این تحقیق محدود می‌باشد. روش نمونه گیری نیز با توجه به شرایط پیش آمده ناشی از کرونا امکان نمونه گیری تصادفی وجود نداشت و نمونه گیری بصورت در دسترس از دو مدرسه انجام پذیرفت. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. با توجه به اینکه حجم جامعه مورد بررسی محدود است می باشد، با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه مورد بررسی برای جامعه برابر با ۳۱۷ نفر می باشد.

ابزار اندازه گیری در این پژوهش پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و هوش هیجانی گلمن (۲۰۰۵) بود.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند[4](۱۹۷۲): بامریند از دانشگاه کالیفرنیا مجموعه بررسی‌هایی را انجام داد که طی آن الگوهایی از شیوه‌های فرزندپروری والدین مشخص شد. وی برای مطالعه خود پرسشنامه‌ای طراحی کرد که به نام خود او معروف شد، این پرسشنامه شامل ۳۰ گویه است. در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عنوان (کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم) قرار دارد که به ترتیب از ۴ تا ۰ نمره‌گذاری می‌شود. با جمع نمرات سوالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا بدست می‌آید.

جدول ۱: مولفه و گویه‌های پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند

عنوان مولفه	گویه ها
شیوه سهل‌گیرانه	۱،۶،۱۰،۱۳،۱۴،۱۷،۱۹،۲۱،۲۴،۲۸
شیوه مستبدانه	۲،۳،۷،۹،۱۲،۱۶،۱۸،۲۵،۲۶،۲۹
شیوه قاطع و اطمینان‌بخش	۴،۵،۸،۱۱،۱۵،۲۰،۲۲،۲۳،۲۷،۳۰

[1] Nastas and Sala
[2] Ellithorpe etal
[3] Guastello etal
[4] Baumrind Parenting Styles Inventory

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های (کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب امتیازات ۱،۲،۳،۴،۵ درنظر گرفته می‌شود. نمره‌گذاری هر خرده‌مقیاس با جمع کردن امتیازات مربوط به هریک از خرده‌مقیاس‌ها بدست می‌آید. حداقل نمره هر فرد از زیرمقیاس‌ها ۱۰، حداکثر نمره هر فرد در هریک از زیرمقیاس‌ها ۵۰ است.

پرسشنامه هوش هیجانی گلمن (۲۰۰۵): این مقیاس دارای ۲۲ سوال است که با طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری شده است. این پرسشنامه ۴ زیرمقیاس خودآگاهی (۳ سوال)، مدیریت خود (۷ سوال)، آگاهی اجتماعی (۷ سوال) و مدیریت روابط (۵ سوال) را می‌سنجد. در پژوهش منصوری (۱۳۸۰) آلفای کرونباخ برای نمره کل این پرسشنامه ۰/۸۵ به دست آمد که نشان از پایایی قابل قبول آن دارد. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ برای نمره‌ی کل پرسشنامه ۰/۷۸۱، برای مولفه‌های خودآگاهی ۰/۸۲۵، مدیریت خود ۰/۷۲۹، آگاهی اجتماعی ۰/۸۱۱ و مدیریت روابط ۰/۷۳۴ به دست آمده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار SPSS 23 در بخش استنباطی (مدلسازی معادلات ساختاری) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها در جداول ۲ و ۳ آمده است:

جدول ۲: آمار توصیفی متغیر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
پسر	۱۶۲	۵۱
دختر	۱۵۵	۴۹
جمع	۳۱۷	۱۰۰

جدول ۳: آمار توصیفی متغیر سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی
۱۰سال	۱۵	۵
۱۱سال	۱۰۹	۳۴
۱۲سال	۱۴۳	۴۵
۱۳سال	۵۰	۱۶
جمع	۳۱۷	۱۰۰

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

در جدول شماره ۴ یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش آمده است:

جدول ۴: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

	تعداد	مینیمم	ماکسیمم	میانگین	انحراف معیار
سبک مقتدرانه	۳۱۷	۱/۱۱	۴/۹۸	۳/۱۴۲	۰/۷۱۸
سبک مستبدانه	۳۱۷	۱/۰۱	۴/۸۵	۳/۲۲۶	۰/۸۸۶
سبک آسان‌گیر	۳۱۷	۱/۱۷	۴/۹۲	۳/۳۵۹	۰/۸۶۵
هوش هیجانی	۳۱۷	۱/۲۳	۴/۸۱	۳/۵۲۱	۰/۷۳۲

در جدول شماره ۵، ماتریس همبستگی میان متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و هوش هیجانی آورده شده است:

جدول ۵: ضرایب همبستگی

	سبک مقتدرانه	سبک مستبدانه	سبک آسان‌گیر	هوش هیجانی
سبک مقتدرانه	۱/۰۰۰			
سبک مستبدانه	-۰/۴۹۷	۱/۰۰۰		
سبک آسان‌گیر	-۰/۵۹۷	۰/۶۷۳	۱/۰۰۰	
هوش هیجانی	۰/۵۰۸	-۰/۳۲۱	-۰/۳۸۷	۱/۰۰۰

با توجه به جدول ۵، تمامی ابعاد سبک‌های فرزندپروری همبستگی معناداری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد. سبک‌فرزندپروری مقتدارنه با هوش هیجانی همبستگی مثبت و معنادار و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیر همبستگی منفی و معنادار با هوش هیجانی دارند. در واقع هر چه استفاده‌ی والدین از این دو سبک فرزندپروری بیشتر باشد، رشد هوش هیجانی در دانش‌آموزان کمتر خواهد بود و در مقابل، بکار گرفتن سبک فرزندپروری مقتدرانه، هوش هیجانی دانش‌آموزان را افزایش خواهد داد.

فرضیه اصلی: سبک فرزندپروری رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.

نتیجه بررسی فرضیه اصلی اول تحقیق در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۶: بررسی فرضیه اصلی اول تحقیق

ضریب تأثیر	ضریب معنی داری	نتیجه
۰/۴۹۰	۸/۹۶۲	تأئید

همانطور که جدول فوق نشان می دهد ضریب معنی داری گزارش شده برابر ۸/۹۶۲ است. با توجه به اینکه ضریب معنی داری بالاتر از ۱/۹۶ است، نتیجه می گیریم که آماره آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است و در نتیجه فرضیه اصلی اول تحقیق در سطح معنی داری ۵ درصد مورد پذیرش قرار می گیرد. بتابراین می توان بیان داشت، سبک فرزندپروری رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

فرضیه فرعی اول: سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.

نتیجه بررسی فرضیه فرعی اول تحقیق در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول۷: بررسی فرضیه فرعی اول تحقیق

ضریب تأثیر	ضریب معنی داری	نتیجه
۰/۴۲۴	۸/۲۶۰	تأئید

همانطور که جدول فوق نشان می دهد ضریب معنی داری گزارش شده برابر ۸/۲۶۰ است. با توجه به اینکه ضریب معنی داری بالاتر از ۱/۹۶ است، نتیجه می گیریم که آماره آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است و در نتیجه فرضیه فرعی اول تحقیق در سطح معنی داری ۵ درصد مورد پذیرش قرار می گیرد. ضریب مسیر بدست آمده برابر ۰/۴۲۴ است، که بدین معنی است، اگر سبک فرزندپروری مقتدرانه به اندازه یک واحد افزایش یابد در نتیجه، هوش هیجانی دانش‌آموزان به اندازه ۰/۴۲۴ واحد افزایش می یابد.

فرضیه فرعی دوم: سبک فرزندپروری مستبدانه رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.

نتیجه بررسی فرضیه فرعی دوم تحقیق در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۸: بررسی فرضیه فرعی دوم تحقیق

ضریب تأثیر	ضریب معنی داری	نتیجه
-۰/۰۳۷	۰/۴۵۰	عدم تأئید

همانطور که جدول فوق نشان می دهد ضریب معنی داری گزارش شده برابر ۰/۴۵۰ است. با توجه به اینکه ضریب معنی داری کمتر از ۱/۹۶ است، نتیجه می گیریم که آماره آزمون در ناحیه اطمینان قرار گرفته است و در نتیجه فرضیه فرعی دوم تحقیق در سطح معنی داری ۵ درصد مورد پذیرش قرار نمی گیرد.

فرضیه فرعی سوم: سبک فرزندپروری آسان‌گیر رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.

نتیجه بررسی فرضیه فرعی سوم تحقیق در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۹: بررسی فرضیه فرعی سوم تحقیق

ضریب تأثیر	ضریب معنی داری	نتیجه
-۰/۱۰۹	۱/۴۵۴	عدم تأئید

همانطور که جدول فوق نشان می دهد ضریب معنی داری گزارش شده برابر ۱/۴۵۴ است. با توجه به اینکه ضریب معنی داری کمتر از ۱/۹۶ است، نتیجه می گیریم که آماره آزمون در ناحیه اطمینان قرار گرفته است و در نتیجه فرضیه فرعی سوم تحقیق در سطح معنی داری ۵ درصد مورد پذیرش قرار نمی گیرد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

جدول ذیل خلاصه نتایج آزمون فرضیه ها را نشان می دهد.

جدول ۱۰: خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه	ضریب تأثیر	معنی داری	نتیجه
فرضیه اصلی اول: سبک فرزندپروری رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.	۰/۴۹۰	۸/۹۶۲	تایید
فرضیه فرعی اول: سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.	۰/۴۲۴	۸/۲۶۰	تایید
فرضیه فرعی دوم: سبک فرزندپروری مستبدانه رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.	-۰/۰۳۷	۰/۴۵۰	عدم تایید
فرضیه فرعی سوم: سبک فرزندپروری آسان‌گیر رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.	-۰/۱۰۹	۱/۴۵۴	عدم تایید

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اصلی اول: سبک فرزندپروری رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.

فرضیه اصلی اول تحقیق بیان می‌دارد سبک فرزندپروری رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد. نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد که ضریب معنی‌داری آزمون (۸/۹۶۲) در ناحیه بحرانی قرار دارد و در نتیجه فرضیه اصلی اول تحقیق در سطح معنی‌داری یک درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. ضریب مسیر بدست آمده برابر ۰/۴۹۰ است. ضریب مذکور بدین معنی است که، از دیدگاه جامعه آماری، اگر سبک فرزندپروری به اندازه یک واحد افزایش(کاهش) یابد، می توان انتظار داشت که هوش هیجانی دانش آموزان به میزان ۰/۴۹۰ واحد افزایش (کاهش) یابد. تأثیر مثبت و معنی‌دار سبک فرزندپروری بر هوش هیجانی دانش‌آموزان، بدین معنی است که با ارتقا سبک فرزندپروری، هوش هیجانی دانش آموزان می‌تواند ارتقا یابد و هنوز سبک فرزندپروری تأثیر گذاری خود را بر هوش هیجانی از دست نداده است. برخلاف نتیجه‌ای که در این فرضیه بدست آمد، جورج و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که سبک فرزندپروری معتبر همه با هوش هیجانی پسران، دختران یا دانش‌آموزان ارتباطی ندارد. اگرچه، برخی از مؤلفه ها با هوش هیجانی ارتباط داشتند.

فرضیه فرعی اول: سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.

فرضیه فرعی اول تحقیق بیان می‌دارد سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد. نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد که ضریب معنی‌داری آزمون (۸/۲۶۰) در ناحیه بحرانی قرار دارد و در نتیجه فرضیه فرعی اول تحقیق در سطح معنی‌داری یک درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. ضریب مسیر بدست آمده برابر ۰/۴۲۴ است. ضریب مذکور بدین معنی است که، از دیدگاه جامعه آماری، اگر سبک فرزندپروری مقتدرانه به اندازه یک واحد افزایش(کاهش)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

یابد، می توان انتظار داشت که هوش هیجانی دانش آموزان به میزان ۰/۴۲۴ واحد افزایش (کاهش) یابد. تأثیر مثبت و معنی‌دار سبک فرزندپروری مقتدرانه بر هوش هیجانی دانش‌آموزان، بدین معنی است که با ارتقا سبک فرزندپروری مقتدرانه، هوش هیجانی دانش آموزان می‌تواند ارتقا یابد و هنوز سبک فرزندپروری مقتدرانه تأثیرگذاری خود را بر هوش هیجانی از دست نداده است. همراستا با نتیجه‌ای که در این فرضیه بدست آمد، میردریکوند و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیق خود نشان دادند که سبک فرزندپروری مقتدرانه با تمام مؤلفه های هوش هیجانی، به استثنای خود ابرازی رابطه معناداری دارد. در تحقیقی دیگر فارل (۲۰۱۵) نشان داد که رابطه معناداری بین سبک فرزندپروری اقتدارگرا و میزان تأثیر منفی فرزندان پیش دبستانی و خلق و خوی منفی مربوط به هوش هیجانی وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم تحقیق: سبک فرزندپروری مستبدانه رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.

فرضیه فرعی دوم تحقیق بیان می‌دارد سبک فرزندپروری مستبدانه رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد. نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد که ضریب معنی‌داری آزمون (۰/۴۵۰) در ناحیه اطمینان قرار دارد و در نتیجه فرضیه فرعی دوم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌گردد. در واقع شواهد کافی برای تأثیرگذاری سبک فرزندپروری مستبدانه بر روی هوش هیجانی بدست نیامد. عدم تأثیرگذاری سبک فرزندپروری مستبدانه بر هوش هیجانی دانش‌آموزان، بدین معنی است که با افزایش و یا کاهش در این نوع سبک فرزندپروری نمی توان انتظار افزایش هوش هیجانی دانش آموزان را داشت. همراستا با نتیجه ای که در این فرضیه بدست امد، فارل (۲۰۱۵) نشان دادند که هیچ تعامل بین سبک فرزندپروری مستبدانه و سطح هوش هیجانی فرزندان یافت نشد.

فرضیه فرعی سوم: سبک فرزندپروری آسان‌گیر رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد.

فرضیه فرعی سوم تحقیق بیان می‌دارد سبک فرزندپروری آسان‌گیر رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارد. نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد که ضریب معنی‌داری آزمون (۱/۴۵۴) در ناحیه اطمینان قرار دارد و در نتیجه فرضیه فرعی سوم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌گردد. در واقع شواهد کافی برای تأثیرگذاری سبک فرزندپروری آسان‌گیر بر روی هوش هیجانی بدست نیامد. عدم تأثیرگذاری سبک آسان‌گیر مستبدانه بر هوش هیجانی دانش‌آموزان، بدین معنی است که با افزایش و یا کاهش در این نوع سبک فرزندپروری نمی‌توان انتظار افزایش هوش هیجانی دانش آموزان را داشت. همراستا با نتیجه ای که در این فرضیه بدست امد، فارل (۲۰۱۵) نشان دادند که هیچ تعامل بین سبک فرزندپروری مستبدانه و سطح هوش هیجانی فرزندان یافت نشد.

در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان گفت که هر یک از سبک‌های فرزندپروری فضای هیجانی متفاوتی را خلق می‌کند و از این طریق به تحول هوش هیجانی کمک می‌کند. در طول فرآیند اجتماعی سازی والدین اولین بافت برای شناخت و انتقال پیام‌های عاطفی هستند. پیام‌های عاطفی با این هدف به فرزندان منتقل می‌شوند که آن‌ها را در تفسیر و پاسخ‌دهی مناسب به این پیام‌ها کمک کنند. ابرازگری هیجانی والدین و فضای هیجانی که آن‌ها از طریق سبک فرزندپروری خود خلق می‌کنند کودکان را در بکار بردن ارتباط هیجانی در تعاملات اجتماعی روزانه و معمول کمک می‌کند و یادگیری هیجانی را در ورای کسب مهارت‌های اجتماعی پیش می‌برد تا بتوانند از قواعد هیجان در زمینه‌های مختلف استفاده کنند.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه استانداردهای بسیار روشنی را برای خود تعیین کرده و اطمینان می‌یابند که آن قواعد اجرا خواهد شد و در صورت لزوم نیز از تحریم‌های تعیین شده استفاده می‌کنند. آن‌ها با احساسات فرزندان خود هماهنگ می‌شوند و از شرایط هیجانی استفاده می‌کنند تا درک کنند دقیقا چه چیزی آن‌ها را ناراحت کرده و از این طریق به آن‌ها در شناسایی راه‌های مناسب پاسخگویی به شرایط کمک می‌کنند. همچنین والدین به جای تحمیل کردن خواسته خود، به نوجوانان این فرصت را می‌دهند که کشودگی هیجانی و استقلال را تجربه کرده و منطق پنهان شده در کار انجام شده را دریابند. مشخصه‌های سبک مقتدر مانند گرمی، حمایت هیجانی، پذیرش، درگیری و ترکیبی از آزادی و کنترل، نوعی فضای هیجانی را خلق کرده و انتقال می‌دهد که در آن نوجوانان قادر می‌شوند تا با احساسات خود و همچنین دیگران درگیر شوند. این مسأله به آن‌ها کمک می‌کند تا از احساسات موجود در هر آنچه که توسط والدین انتقال داده می‌شود، آگاه شوند. خودآگاهی به تنظیم خودمختار هیجانات خود منجر می‌شود بنابراین آگاهی و مدیریت بین فردی جایگزین آگاهی و مدیریت درون فردی می‌شود. در واقع والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه هم پذیرنده و هم پاسخ دهنده بوده و سبک درخواست کنندگی و کنترل بالایی دارند. این والدین قوانین واضح و روشنی را وضع کرده و اصول بنیادی، قواعد و محدودیت‌ها را توضیح داده و بچه‌ها را مجبور به اجرای آن‌ها می‌کنند. اینجا والدین با نیازهای رشدی فرزندان سازگار بوده و ارزش زیادی به رشد خودمختاری می‌دهند تا بتوانند در تصمیم‌گیری و استقلال نیرومند شوند. در نتیجه استفاده از این شیوه فرزندپروری، هوش هیجانی نوجوانان قابلیت رشد یافته و از هوش هیجانی بالاتری نسبت به سایر نوجوانان برخوردار هستند. در تبیین این مسأله که چرا دو سبک فرزندپروری آسان‌گیر و مستبدانه کمکی به رشد هوش هیجانی فرزندان نمی‌کنند و نوجوانان والدینی که از این دو سبک در فرزندپروری فرزندان خود بهره می‌گیرند از نظر هوش هیجانی در سطح پائینی قرار دارند، باید گفت که در سبک فرزندپروری مستبد، والدین قوانین خاصی را اعمال می‌کنند و از بچه‌ها نیز انتظار دارند تا از قوانین بدون چون و چرا و بدون دادن هیچ توضیحی اطاعت کنند. والدین مستبد از تکنیک‌های قهری استفاده می‌کنند. این والدین غیر حمایت کننده بوده، به فرزندان خود اهمیت نمی‌دهند و قوانین خود را بصورت انعطاف ناپذیری تحمیل می‌کنند. ابراز محبت و صمیمیت آن‌ها نسبت به کودکان در سطح پائین بوده، امیال فرزندان را در نظر نمی‌گیرند و عقاید آن‌ها را جویا نمی‌شوند. نوجوانانی که والدین مستبدی دارند، ثبات روحی و فکری نداشته و خود را بدبخت می‌پندارند، این نوجوانان زود ناراحت شده و در برابر فشارهای روانی آسیب‌پذیرند. در سبک فرزندپروری آسان‌گیر نیز هیچ ملاک و معیاری معیاری برای تربیت کودکان وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، بنابر شرایط و مقتضیات تغییر می‌کند و هرج و مرج بر خانواده حاکم است. مشخص نبودن ضوابط، پیروی از تمایلات را شدت بخشیده و نوجوان را از برخورد با واقعیت‌های زندگی دور می‌سازند. نوجوانان والدین آسان‌گیر افرادی بی‌بندوبار، سهل انگار، خودخواه و بی‌هدف هستند. میزانی برای اعمال و رفتار خود ندارند، احساس مسئولیت نمی‌کنند و قادر به زندگی اجتماعی مطلوب نمی‌باشند. با توجه به این موارد و پیامدهای بکارگیری این دو شیوه فرزندپروری که مشکلات بسیاری را برای نوجوانان فراهم می‌کند، انتظار می‌رود نوجوانان والدین دارای سبک فرزندپروری مستبد و آسان‌گیر به لحاظ هوش هیجانی در سطح پائینی قرار داشته باشند. در این راستا در پژوهش حاضر نیز نشان داده شد که سبک فرزندپروری قادر به پیش‌بینی تغییرات هوش

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

هیجانی هست و از میان سه سبک فرزندپروری بررسی شده در این پژوهش، سبک فرزندپروری مقتدر قوی‌ترین پیش‌بینی کننده هوش هیجانی بود و توانست بطور مثبت و معنی‌داری هوش هیجانی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند. همچنین به نظر می‌رسد یافته‌های پژوهش حاضر در سطح نظری و عملی می‌تواند مفید باشد؛ در سطح نظری این یافته‌ها بر نقش و اهمیت سبک‌های فرزندپروری در ارتقاء و رشد هوش هیجانی تأکید می‌کنند. روشن شدن تأثیر این سبک‌ها بر هوش هیجانی دانش‌آموزان، نقش و اهمیت محیط خانواده را نشان می‌دهد. چراکه لازم است والدین نسبت به آن‌ها آگاه بوده و نیازها و توانایی‌های فرزندان را به خوبی بشناسند. در سطح عملی بر اساس یافته‌های پژوهش به والدین توصیه می‌گردد با توجه به تأثیر مثبتی که سبک فرزندپروری مقتدر بر افزایش و رشد هوش هیجانی فرزندان می‌گذارد، با دریافت آگاهی‌ها و آموزش کافی بکوشند تا برای تربیت فرزندان خود از این سبک فرزندپروری استفاده کنند.

هر پژوهش محدودیت‌هایی با خود به همراه دارد و این پژوهش از آن مستثنی نیست، محدودیت‌هایی از جمله نوع ابزار اندازه گیری که محدود به پرسشنامه‌ها شده و از سایر ابزارها استفاده نشده است و نمونه های شرکت کننده در پژوهش که صرفا تعدادی محدودی از دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی منطقه ۴ تهران بوده‌اند. با توجه به برجسته بودن نقش سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی هوش هیجانی دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود که فرزندان در مقابل اشتباهات هنگام انجام دروس و ... سرزنش نشوند و اجازه بروز اشتباه بدون ترس و دلهره به فرزند داده شود. این کار باعث می شود کودک سطحی از ریسک پذیری را در خود پرورش دهد. به فرزندان اجازه داده شود که خیلی از موضوعات را خودشان کشف و تحلیل کنند. این کمک می کند که فرزندان در شرایط مختلف با موضوعات به راحتی روبرو شوند. به فرزندان اجازه دهیم که برای بروز مشکلات در خانواده اظهار نظر کند و راه حل ارائه دهد. والدین می بایست در مقابل حرکت مثبتی که کودک انجام می شود، وی را تشویق کنند. این تشویق می تواند شامل بغل کردن و بوسیدن باشد. به فرزندان اجازه دهیم که بدون واهمه ای راه‌های مختلف برای مقابله با یک مشکل را اظهار نماید و برای هر یک از راهها نقاط قوت و ضعف را برشمرد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

منابع

اکبری، محمد؛ رضاییان، حمید و مودی، میترا .(۱۳۸۶). بررسی هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه اراک و رابطه آن با اضطراب رایانه، اصول بهداشت روانی، ۳۵

بهرامی, نصرت, سلمان, نجفوند دریکوندی, بهرامی, سمیه. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه ای هوش هیجانی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی دزفول. فصلنامه توسعه آموزش جندی شاپور اهواز, ۸(۲), ۱۵۸-۱۵۰.

دانیل گلمن، آنی مکی مک، ریچارد بویاتزیس، (۱۳۹۹). مترجم: بهمن ابراهیمی. هوش هیجانی در مدیریت و رهبری سازمانی. نشر: سازمان مدیریت صنعتی.

میردریکوند، فیروز. سامی، عباس. محمدی، علی اصغر. احمدی، مریم. طاهری، منصور (۱۳۹۵). پیش بینی شیوه فرزندپروری بر مبنای سبک‌های دلبستگی و مولفه های هوش هیجانی، سلامت و مراقبت. ۱۸(۲): ۱۳۰- ۱۲۱.

Arefnasab, Z., Zare, H., & Babamahmoodi, A. (2012). Emotional intelligence and problem solving strategy: comparative study basedon" tower of hanoi" test. Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences, 6(2), 62.

Baumrind, D.(1991).Effective parenting during the early adolescent transition in P.E. Cowan and E.M. Hethrington (Eds) ,Family transition: advances in family research.Vol.2,pp.111-163,Hillsdale,NJ:Erlbaum.

Chew, B. H., Md. Zain, A., & Hassan, F. (2015). The relationship between the social management of emotional intelligence and academic performance among medical students. Psychology, health & medicine, 20(2), 198-204.

Farrell, Giselle (2015). The Relationship Between Parenting Style and the Level of Emotional Intelligence in Preschool-Aged Children. Philadelphia College of Osteopathic Medicine.

George, Neethu. Deepthi N. Shanbhag, Meera George, Ann Christy Shaju, Reuben C. Johnson,1 P. Thomas Mathew, Chaitanya Prasad Golapalli, and Ramakrishna Goud 2017). A study of emotional intelligence and perceived parenting styles among adolescents in a rural area in Karnataka. Journal Family Med Prim Care. 2017 Oct-Dec; 6(4): 848–852.

Joshi , Dhanajay . Dutta , Indrajeet . (2015). A Correlative Study of Mother Parenting Style and Emotional Intelligence of Adolescent Learner. International Journal of Innovation and Scientific Research ISSN 2351-8014. 13. 1 .145-151.

Nastas, L. E., & Sala, K. (2012). Adolescents' emotional intelligence and parental styles. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 33, 478-482.

Por, J., Barriball, L., Fitzpatrick, J., & Roberts, J. (2011). Emotional intelligence: Its relationship to stress, coping, well-being and professional performance in nursing students. Nurse education today, 31(8), 855-860.

Shechory Bitton, M., & Ben Shaul, D. (2013). Perceptions and attitudes to sexual harassment: an examination of sex differences and the sex composition of the harasser–target dyad. Journal of Applied Social Psychology, 43(10), 2136-2145.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۲، شماره ۱۶، بهار سال ۱۴۰۱

The relationship between parenting styles and emotional intelligence in students

Behnaz nasirzadeh[1]

Abstract

The main purpose of this study was to investigate the relationship between parenting styles and emotional intelligence in fifth and sixth grade elementary students in District 4 of Tehran. This research is applied in terms of classification based on purpose and in terms of classification based on the method of a descriptive correlational research. The statistical population of this study includes fifth and sixth grade elementary students in Tehran's 4th district, which is about 1800 people. Sampling of this research is available. The minimum sample size required according to the Cochran's formula is 317 people. Data collection tools in this study were standard questionnaires whose validity was confirmed by face and content validity and their reliability was confirmed by Cronbach's alpha coefficient and combined reliability. The collected data were analyzed by SPSS and Smart-PLS software and the research hypotheses were investigated using structural equation modeling. The results showed that parenting style has a significant relationship with students' emotional intelligence. Therefore, by improving parenting styles, effective steps can be taken to strengthen students' emotional intelligence for their future success.

Keywords: parenting styles, authoritarian style, authoritarian style, careless style, emotional intelligence

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

[1] M.A of Educational Psychology, Department of Psychology**, Islamic Azad University**, Science and Research Branch, Tehran, Iran (**bhnaznsyrzadh@gmail.com**)